

تمدن و فرهنگ ایران در زمان مادها



آریایی‌ها در اواخر هزاره سوم و یا اوایل هزاره دوم پیش از میلاد (۱۸۰۰-۲۱۰۰ پیش از میلاد) بایران آمدند و با آمدن آنها تغییرات و تحولاتی در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم ایران زمین پدیدار گشت که صحبت درباره اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگ و هنر ایران در هزاره دوم پیش از میلاد مورد بحث این مقاله نیست.

رقاورد (یار قاوردهای) جدید آریایی‌ها با ویژگی‌های سحلی هر منطقه تلفیق شده و در نتیجه باعث شکوفایی هنرهای والای هزاره اول پیش از میلاد ایران گردید . بدین سبب اکثر کسانی که درباره تمدن و فرهنگ ماد و هخامنشی مطالعه می‌کنند قبل از بحث و معرفی هنرهای این دوران به بررسی و کندو کاو فرهنگ و هنرهای اقوام باستانی هزاره اول پیش از میلاد ایران و یا اقوام بیگانه‌ای که با آنها در ارتباط بودند می‌پردازند از آن جمله است : مطالعه فرهنگ و هنر مانابیان - سکاییان : کاسیان : میتانیان - سیمیریان (کیمیریان) - هیتیان - آشوریان - اورارتوییان - هوریان - و آثار مکشوف از کرانه‌های دریای خزر - طالش - زیویه - لرستان - مارلیک - املش - حسنلو - دیلمان خورین - گوی‌تپه - کوبان و غیره ...

به بیان دیگر با این روش ریشه‌های فرهنگ و هنر ماد و هنرهای پیش از دوران ماد مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا ضمن شناخت فضای کلی و هنری آن عصر فرهنگ

و هنر ماد بهتر و بیشتر روشن و معلوم گردد .

مدت حکومت مادها حدود ۱۵۰ سال است (۸) ۷۰۱ - (۹) ۵۵۰ پیش از میلاد)
ولی بررسی و پژوهش فرهنگ ماد بمنزله شناسایی پایه‌های اصلی فرهنگ و هنر هخامنشی
است که از هر نظر حائز اهمیت است و در این مقاله باخناصر درباره کلیات تمدن و
فرهنگ این دوره صحبت میشود .

کلمه ماد بزیان پارسی باستانی ماد (Māda) ، بزیان عیلامی نوماتاپه (Mata - Pe)
بزیان آشوری مادای ، ماتای (Matai) ، بزیان ارمنی قدیم مار - ک (Mar - k)
بزیان عبری قدیم مادای Madai ، بزیان یونانی قدیم مدی (Medoi) ، و از زبان
اشکانیان بعد مای و ماه گفته‌اند .

اقوام ماد دسته‌ای از آریایی‌ها میباشند که شاید از راه قفقاز بشمال ایران آمده‌ودر
قسمتهایی از زری تا زاگرس و از شمال غرب تا رود کوروس ساکن شده و اکباتان را مرکز دولت خود
نموده بودند (۱) . این قوم باستاندنبشته‌های آشوری از قرن ۱۲ پ م تا اواخر ۷ پ م بارها
مورد هجوم و تاخت و تاز آشوریهها قرار گرفته است . تیگلات پیلسراول (۲) در حدود اواخر
قرن ۱۲ پ م باراضی آنها حمله و شلمانسر سوم در سال ۸۲۶ پ م به سرکوبی شورش
که در ناحیه پاتاق (واقع در شرق آشور) رخ داده بود پرداخت و همین زمان رسماً با
فرمانروایان بارسوا نیز مذاکراتی نمود و در بازگشت از طرف جنوب شرقی ، با مادها که
در جنوب شرقی دریاچه ارومیه (شیکا سته) ساکن بودند مواجه گردید ولی تا این زمان مادها
قدرت واحدی نداشته و بصورت ملوک الطوائفی در نقاط مختلف که فاقد حصار و برج و بارو
بود زندگی میکردند (۳) .

شمعی ۱۵۱۵ پنجم نیز در سال ۸۲۵ پ م پس از حمله سخی که به پارس و اراضی
مانایی‌ها نمود سرزمین مادها را به آتش کشاند و چنانچه قدرت چشمگیری مثل اورارتوییها
سد راه آشوریهها نبود شاید بتوان تصور نمود که بارها مادها توسط آشوریهها از میان رفته
بودند .

حمله آشوریهها بمناطق ماد منحصر به چند مورد ذکر شده نبود زیرا اکثر فرمانروایان
آشوری بجز آنها بیکه ذکر شد مثل تیگلات پیلسر چهارم در سال ۷۴۴ و ۷۳۷ پ م و سارگن
دوم در سال ۷۲۲ پ م نیز بماد حمله کرده و حتی دیاکو (۴) (موسس سلسله‌ماد؟) را
دستگیر و باتفاق خانواده‌اش به محلی در شام موسوم به حماة تبعید نمود . آشور حیدین

نیز در ۶۷۲ پ. م. مثل سایرین با لشکر انبوه خود اعمال شاهان آشور را در ماد تکرار نمود. در زمان دیوکس (۵) (۷۰۸ - ۶۵۵ پ. م.) و فرورتیش "خشترتیه" (۶) (۶۵۵ - ۶۳۳ پ. م.) و هووخستر "کیاکار" (۷) (۶۳۳ - ۵۸۵ پ. م.) نیز این حملات ادامه داشت تا اینکه کیاکار با کمک شاه بابل نابویلا سار (۸) فرزند بل ایبنی (۹) به حکومت ۱۲۰۰ ساله امپراطوری آشور بها خاتمه داد.

انگیزه و علل یورش و هجوم همیشگی آشوریها به ماد چه میتوانست باشد؟ جواب این سؤال را در تروت و هنر و تمدن ماد و همبستگی قدرت مادیها باید جستجو نمود که عملاً با فرهنگ و هنر ماد بستگی پیدا میکند و بجاست که باختصار درباره فرهنگ ماد صحبت نمایم.

یکی از مشکلات کلی در مطالعه فرهنگ ماد مسئله خط و کتابت است، بی شک در هزاره اول پ. م. مادها دارای خط و کتابتی بوده اند و فرمانی که راجع به هبه اموال و دادن تسهیلات کهن در قرن نهم یا هشتم پ. م. از طرف شاهک آبدادانا به زبان آکدی به نام یک مرد آشوری صادر شده است (۱۰) دلیلی است بر وجود خط و کتابت مادها.

ولی اینرا هم میشود حدس زد که مانند بیان خط و کتابتی داشته اند که از خط اورارتویی ما خود بوده است سارگن دوم در گزارش سال ۷۱۴ پ. م. خویش میگوید که ولوسونوپادشاه مانند سنگ یادگار خویش را وقت وی کرده است (که در آن درباره محور ماننایی سخن رفته است) بر این سنگها غالباً نوشتههایی نیز وجود داشته است (۱۱) که با احتمال قوی خط مزبور نوعی از خطوط میخی بوده است. در نواحی اطراف دریاچه ارومیه هیروگلیفهایی نیز مشابه با هیروگلیفهای اورارتویی متداول بود که نمونه آنرا در بشقاب نقره‌ای که در زویوه پیدا شده و هیروگلیفهایی نیز در روی آن منقوش است می بینیم (۱۲) ولی متأسفانه از ساکنان ماد مرکزی هیچ گونه مدرک خطی بدست نیامده است.

ولی اصل و منشأ خط پارسی باستان (میخی) را باید در ماد جستجو نمود زیرا در زمان کوروش دوم و اواسط قرن ششم پ. م. خط پارسی باستانی متداول بوده و این خط نیز با خط میخی بابلی و عیلامی کاملاً متفاوت است و با وجود نکات اشتراکی که با سایر خطوط آسیای قدیم دارد نمی توان آنرا ماء خود از آنها دانست.

در سنگ نبشته‌های پادشاهان هخامنشی لغات مادی فراوانی وجود دارد (۱۳). و چه بسا این خط ماء خود از خط تمدنی بوده است که در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول

پ. م در منطقه گیلان و مازندران مرکزی داشته تمدنشان تا نواحی کاشان و از جنوب غربی تا لرستان و در شمال تا قفقاز گسترش یافته بود که نمونه‌ای از خط میخی در حفريات مارلیک بدست آمد و پروفیسور کامرون استاد خطوط باستانی خاور میانه دانشگاه میشیگان نیز پس از مطالعه آن معتقد است که این خط نمیتواند جدیدتر از اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول باشد بهر صورت (۱۴) کشفیات و تحقیقات بعدی صحت این ادعا و یا چگونگی خط ما در ابتر روشن خواهد ساخت .

کیش سرزمینهای غربی ماد با دین هوریان و تا اندازهای آشوریه از یک نوع بوده است و در متون آشوری چند بار از خدایان ماننا و غیره صحبت شده است و از روی نامهای ایرانی که با معتقدات معین دینی مربوط است و با تجزیه و تحلیل آنها اطلاعاتی درباره کیش صاحبان نامها نیز میتوانیم بدست آوریم و بعقیده عده زیادی از دانشمندان کیش مزدا یا زرتشتیگری در میان صاحبان نامهای فوق الذکر رواج داشته است (۱۵) و این نامها دلیلی است که از قرن ۹ تا ۷ پ. م اعتقاد به مزدا اهورا وجود داشته و عدمای نیز معتقدند که در بین مادها تعلیمات اوستائی نیز رواج داشته (۱۶) ولی بشکلی بوده که با شرایط محل تطبیق داده شده بود .

هردوت نیز در مورد کیش مادیهها صحبتی نمی‌کند و در همه جا از مغان بحث مینماید که آنها کاهنان مادی میباشند (۱۷) که از لحاظ دین رهبری پارسیان را بعهدده دارند (۱۸) . درباره ادبیات و علوم ماد اطلاع جالبی در دست نیست و فقط از راه مطالعه آثار هنری آنها میتوان معلوماتی کسب نمود . آثار مکشوف در تپه گیان - گورستان (ب) در سیلک - گنجینه زیویه (۱۹) - مفرغی های لرستان (۲۰) و غیره ما را به شناسایی هنرماد که جزئی از فرهنگ آنها را تشکیل میدهد کمک مینماید زیرا شکل و فرم ظروف و اشیاء و نقوش روی آنها میتواند مبین وضع جغرافیایی محل و عقاید مذهبی و اجتماعی و گویای ارزش هنری آنها باشد و حتی ارتباط و میزان تأثیر هنرهای بیگانه را نیز در آنها مشخص نماید .

در آثار ذکر شده نقاط اشتراکی با هنر آشور و اورارتو و سکاها دیده میشود که این نیز بمعنی تکامل هنر ماد باید توجیه گردد زیرا در ابداع یک هنر عالی و جدید اخذ نقاط مثبت از هنر دیگران و تطبیق آن با محیط و تلفیق مطلوب آنها بنحوی که برتری و اصالت خود را حفظ نماید یک امر تکاملی و طبیعی است و هنر ماد نیز دارای چنین خصایصی است .

از نظر معماری مقابر یا دخمههایی که در کوه کنده شده و بجامانده است مثل دخمه

سکوند "دمنو" در جنوب کرمانشاه، دخمه فخریکا نزدیک میان دو آب رضائیه دخمه شیرین و فرهاد نزدیک صحنه کرمانشاه، دخمه دکان داود نزدیک سرپل، دخمه قیزقاپان (۲۱) و کورخ و گیج نزدیک سلیمانیه و غیره و نقوش برجستهای که در دورشاکین (خورس آباد) بدست آمده است دژهایی از مادها را بنام دژکیشه سوو دژمادی در ماننا و دژ مادی خارخارو دژ کوهستانی مادی را نشان میدهد (۲۲). همچنین هرودت نیز درباره حصارهای اکباتان و غیره اطلاعات جالبی در اختیار ما میگذارد (۲۳) که همه آنها نموداری از هنر معماری و خانههای مسکونی و غیر آنهاست و ما با مطالعه آنها و مقایسه با هنر معماری هخامنشی میتوانیم هنر معماری ماد را پایه و اساس معماری هخامنشی معرفی کنیم (۲۴) ولی با این فرق که هنر هخامنشی ضمن استفاده از هنر محلی بیشتر با هنرهای بیگانه تلفیق شده است.

سیاری از دخمهها و آرامگاههای دوره ماد از طرف وزارت فرهنگ و هنر به ثبت رسیده است (۲۵) و بسیاری از آنها نیز در سالهای اخیر توسط کارشناسان ایرانی و خارجی در دست مطالعات است. ضمناً "دکتر غلامطی همایون استاد دانشگاه تهران در سالهای اخیر بموجب دو طرح تحقیقاتی با اتفاق عدای از همکاران و دانشجویان خود درباره معماری صخرهای ایران و فلسف معماری صخرهای در ایران در منطقه میمند و کندوان پژوهشهای جالبی انجام داده اند که در این باره مقالاتی در نشریات علمی داخلی و خارجی نیز بچاپ رسیده است (۲۶) و دنباله این کار را در معماری صخرهای منطق کرومه (آسیای صغیر) و پافلاگونیه ادامه میدهند.

آخرین اثر معماری گار مازندران که ثبت شده است در نزدیکی مها باد است که یکی از همکاران ایرانی ما آقای حسن قراخانی در ماههای اخیر درباره این اثر مقاله جالبی به چاپ رسانیده اند (۲۷). البته آقای دکتر فون گال باستانشناس آلمانی که درباره معماری صخرهای ترکیه مطالعات فراوانی نموداند اینک چند سالی است که درباره دخمه های دوران ماد و هخامنشی مطالعه میکنند و به همین منظور در آخرین مقالات خود با توجه به تجزیه و تحلیل فرم ستون و ستیف های دخمه های مذکور و برخی از این دخمهها را که اکثراً "بدوران ماد نسبت میدهند از نظر زمانی به دوران هخامنشی نسبت داده اند (۲۸).

به بیان دیگر دخمه های دوران ماد یا هخامنشی را میتوان در سه گروه مطالعه نمود.

- ۱- آرامگاههایی که در نمای ورود آنها ستونهای آزاد و کامل موجود است.
- ۲- آرامگاههایی که در دو طرف نمای ورودی آنها دو نیم ستون (ستون نما) قرار دارد.
- ۳- " " " در نمای ورودی آنها ساده و فاقد ستون میباشد (۲۹).

حفریات اخیر T. Cuyler Young نیز در گودین تپه نزدیک کنگاور کرمانساه (۳۰) اطلاع بیشتری درباره هنر ماد و بویژه معماری ماد در اختیار همه قرار خواهد داد که ما خذ و مبداء تأثیر و مقایسه جهت آبادانا و تالارهای ستوندار هخامنشی خواهد شد .

حفریات سالهای اخیر در نوشجان تپه (نزدیک همدان) توسط داوید استر و ناخ (رئیس موسسه ایرانشناسی برینانیا) مطالب جدید و تازه‌ای را مربوط به این دوره روشن ساخت (۳۱) که از هر نظر برای مطالعه و حفاری‌های آتی در همدان بسیار سودمند است .

همچنین حفاری و بررسیهای هیئت علمی ایتالیایی به سرپرستی پروفیسور توجی در دهانه علامان (سیستان) موجب کشف آثار مهمی گردیده که بخوبی بیانگر توسعه‌هنر این دوران (یا هخامنشیان) در اقصی نقاط این سرزمین است (۳۲) و بالاخره کشف آثار فراوان سالهای اخیر مانند آتشدان سنگی کاپادوکیه از آسیای صغیر نفوذ و رواج کیش و هنر ایران دوران ماد و هخامنشی را در گوشه و کنار جهان باستان بوضوح بیان مینماید (۳۳) .

مآخذ

[R. Ghirshman, Iran des Origines a l' Islam, Payot Paris 1951, P. 56 - 105.

2 (Toukouliti - Apal - Esharra) Teglal Phalasar

۳ - نگاه کنید به کتاب ایران شهر جلد اول چاپ تهران ۱۳۴۲ صفحه ۲۸۷ (شماره ۲۲ یوسکو در ایران)

4 Daiaukku

5 Deioces - Diokes

6 Kshatrita - Phraorte

7 Kyaxar

8 Nabopolassar - Nabu - apal - usur

9 Bel-ibni

۱۰ - این سند مفقود شده است نگاه کنید به

E. Herzfeld, Iran in the Ancient East, 1941, P. 195.

- ۱۱ - نگاه کنید به تاریخ ماد تألیف ا. م. دیاکوف (ترجمه کریم کشاورز) تهران ۱۳۴۵ صفحه ۷۴۱ توضیح شماره ۱۳
- ۱۲ - نگاه کنید به کتاب ایران از آغاز تا اسلام . تألیف رمان گیرشمن (ترجمه دکتر محمد هین) تهران ۱۳۳۶ صفحات ۹۹ - ۹۷ .
- 13 A. Meillet - E. Benveniste, Grammaire du Vieux Perse.
Paris 1931, P. 7; E. Herzfeld, "Die Magna Charta von Susa"
AMI, III, 3, P. 93. (Archaeologische Mitteilungen aus Iran = AMI)
- ۱۴ نگاه کنید به کتاب مارلیک تألیف دکتر نگهبان - تهران ۱۳۲۳ صفحه ۲۷ .
- 15 E. Meyer, Die ältesten datierten Zeugnisse der Iranischen Sprache.
Kuhn's z.f. Vgl. spr., 42, 1906 P. 14.
- ۱۶ - ولی نستوان نتیجه گرفت که مانده بر کفر آفرینش تعلیمات اوستایی بوده است .
- ۱۷ - از دوره اسلامی به بعد کلمه حج بر ادبیات ترفی معنی " آتش پرست " یا پیروکیش زرتشتی آمده است .
- ۱۸ - هرودوت ۱۳۱۰
- ۱۹ - درباره آثار زیویه نگاه کنید به :
A. Godard, Le Tresor de Ziwiye. Harlem 1950.
- ۲۰ - در باره آثار مفرغی لرستان نگاه کنید به
A. Moortgat, Bronzegerat aus Luristan,
1932; V. Minorsky, "The Luristan Bronzes" in Apollo, 1931, P. 141-143;
R. Ghirshman, "Le dieu Zurvan sur les Bronzes du Luristan", Artibus Asiae,
Vol. XXI, PP. 37 - 42, 1958 ; K. Maxwell - Hyslop, "Note on a Luristan
axe in the otage Museum, Nemzealand" Iraq, Vol. XII, 1950, P. 52
- ۲۱ - نگاه کنید به
E. Porada, Iran Ancient, Paris, 1963, P. 129-132 Fig. 71.
- ۲۲ - راجع به دخمه‌ها و نقوش برجسته فوق‌الذکر نگاه کنید به :
- E. Herzfeld, Iran in the Ancien East, 1941, P 201
- همچنین کتاب تاریخ ماد صفحات ۵۰۸-۴۹۶ و کتاب از آغاز تا اسلام صفحات ۱۰۷ - ۱۰۱
- ۲۳ - هرودوت ۹۸
- ۲۴ - برای بعضی از دخمه‌های فوق‌الذکر بحر کتاب هرستفلد نگاه کنید به :

L. Vanden Berghe, *Archeologie de l'Iran Ancien*, Leiden 1959, P. 101-121.

۲۵ - نگاه کنید به فهرست آثار و ابنیه باستانی ایران . تهران ۱۳۴۶

G. Homayoun, "Die Felsarchitektur in Maimand", *Archaeologische Mitteilungen Aus Iran*. Band 6, 1973, P. 281 - 296. - ۲۶

و مقاله دیگری در این زمینه از دکتر همایون در مجله فرهنگ و معماری . تهران فروردین

۱۳۵۴ صفحات ۶۸ - ۶۶

۲۷ - حسن قراخانی دژ مادی قلات شاه " مجله بررسیهای تاریخی شماره پنجم سال دهم

تهران ۱۳۵۴ صفحات ۱۰۸ - ۹۵

- ۲۸

H. Vongall, *Jahrbuch des Deutschen Archäologischen Berlin 1967*

۲۹ - در پایان سال ۱۳۵۴ دوست و همکار عزیز آقای علی محمد خلیلیان کارشناس اداره

کل حفاظت آثار باستانی یک پژوهش جالب بنام " بررسی و مطالعه دخمه‌ها و آرامگاههای صخره‌ای

در دوران ماد و هخامنشی " را با تمام رسانند که از هر نظر حائز اهمیت است .

C. Young, "Godin Tepe", *IRAN (Journal of the British Institute of Persian Studies)* Vol. V, London 1967, P. 139 - 40. Vol. 1968, P.16

D. Stronakh, "Excavation at Tepe Nushijan" *IRAN* Vol. V, London 1967

Umberto Scerrato "Excavations at Dahan-i-Ghulaman" *East and West* Vol. 16, No.s 1-2, Roma 1966, P. 8 - 31

۳۳ - فرخ ملک‌زاد " آتشدان سنگی مکتوف از کاپادوکیه " مجله بررسیهای تاریخی شماره ۱

سال ۶ تهران ۱۳۵۰